

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سلیم طاهری

۱۱ دسمبر ۲۰۱۲

«حزب همبستگی افغانستان»

از «کمیتۀ سویدن» چه می خواهد؟

«حزب همبستگی افغانستان» از احزاب سرکاری است (۱) که در تاریخ کمتر از یکدهه خود «همبستگی های» (۲) دردناک و زشت داشته است. این حزب از کثیفترین جلاد تاریخ معاصر جهان (حامد کرزی) حمایت کرد، ورقه های تبلیغاتی چاپ کرد، اعضاء و خانواده های آنان را به پای صندوق های رأی برد، در ارگ با کرزی بغل داد و جای ارگی (که جای پولی اش از رژیم ولایت فقیه ایران می آمد) نوش کرد؛ و هنوز حلقش نخشکیده بود که با خاین ترین مزدوران (خلق های و پرچمی ها) (۳) «جبهه ملی دموکرات» ساخت، زیر زنج «رهین» نشست و «شهروندی» خود را به اثبات رساند و شادباشی «خلیلزاد» را نیز نصیب شد.

این حزب که زمانی در بست در خدمت اشغالگران و دولت پوشالی قرار داشت (۴)، پس از سالها سکوت، مجدداً راجستر وزارت عدلیه و «امنیت ملی» شد و اینبار خلاف گذشته، ناگهان گرمی دانه و بخار ضد «اشغال» کشیده، بدون این که یک بار هم به توده های افغانستان صادقانه پاسخ بدهد که چرا سالها در تب ضد جنگسالاری مالیخولیایی شده و در خدمت اشغالگران نوحه سرائی می کرد. بدون این که یکبار هم به خطب سیاسی خود برخورد ایدئولوژیک کرده، صادقانه ریشه های منحط پوده فکری خود را بررسی کند، باری چیزهایی گفت که فقط به خاک پاشیدن در چشم مردم می ماند، نه برخورد صادقانه به انحرافات زننده (۵) این حزب («با گرایش چپ») (۶) فراموش کرده بود یا در بازار «رنگ فروشی» اشغال عمداً از یاد برده بود که «... هر کس می خواست تزاریس را بزند ناگزیر پنجه به روی امپریالیسم می انداخت، کسی که به ضد تزاریسم قیام می کرد می بایست علیه امپریالیسم هم قیام کند، زیرا کسی که تزاریس را سرنگون می کرد می بایستی امپریالیسم را نیز سرنگون سازد و این در صورتی است که چنین کسی واقعاً نه فقط فکر در هم شکستن تزاریس را داشته باشد بلکه نابودی قطعی او را نیز بخواهد.» (۷) اما، این حزبی که بر روی جهادی ها پنجه می زد، برای امپریالیست ها کرشمه می فروخت. این حزبی که به ضد جهادی ها «قیام» می کرد، (۸) برای اشغالگران ناز حراج می کرد، مست انتخابات پوشالی و عاشق سینه چاک تعویق انتخابات استعماری زیر نظر اشغالگران امریکائی بود و از چرخیدن پیرامون «دموکراسی نسبی» زیر بیرغ امریکا خستگی نمی شناخت!! (۹)

با اشغال امریکا، در کشور ما جریانی به شدت استعماری شکل گرفته است که در تب ضد جهادی و تیره اشغال نمایان می شود. این جریان با مغایرت گفتار و کردار پیش می رود، بر توده ها باور ندارد و در اکثریت نهادهای پوشالی حضور سیاسی دارد، در بست علیه جهادی ها است، اما در قسمت اشغالگران یا کاملاً به مغالزه تن می دهد یا هم به

مغازله نیمچه. حزب همبستگی افغانستان جزوی از این جریان است که سالها در مغازله با اشغال قرار داشت و اکنون «ضد اشغال» شده است. از آنجائی که در گفتار و کردار این حزب، مغایرت موجود است، در ابهام گرائی مزمن، ناگزیر چنین صحبت می کند:

«...توضیح داده شد که ارتش سویدن در افغانستان برای اشغال آمده و در خدمت منافع امریکا قرار دارد. مطبوعات سویدن و «کمیتة سویدن» ترجمان دولت اشغالگر شان است...» و بعد یک باره متوجه می شود که ترجمان دولت اشغالگر سویدن را متوجه وظایفش بسازد: «علاوه از تبادل نظر روی مسایل افغانستان و جهان، «کمیتة سویدن» به خاطر انجام ندادن هیچ گونه کار بنیادی در کشور ما و ارتباطش با گروه های بنیادگرا مورد انتقاد نماینده حزب قرار گرفت.»

این که هدف نماینده حزب از «کارهای بنیادی» «کمیتة سویدن» («ترجمان دولت اشغالگر سویدن») چیست، نمی دانم. اما کمیتة سویدن بر اساس وب سایت این انجوی با سابقه سی سال کار در افغانستان، عمدتاً دو مکلفیت به عهده دارد: حمایت از استقلال ملی (؟؟!!) و کارهای توسعه ئی برای پیشرفت های دموکراتیک، اقتصادی و اجتماعی که هر دو مکلفیت را عمدتاً با پول بانک جهانی و کمیسیون اروپا و با بیش از ۶۲۰۰ کارمند به پیش می برد.

شاید هم منظور نماینده حزب، همکاری و کار بنیادی «ترجمان دولت اشغالگر» در زمینه «حمایت از استقلال ملی» باشد یا هم «کار بنیادی» برای «پیشرفت های دموکراتیک». ولی مهم اینست که یک حزب «ضد اشغال» چگونه با «ترجمان دولت اشغالگر» از در «انتقاد» پیش می آید؛ مهم اینست که یک حزب «ضد اشغال» چگونه برای «ترجمان دولت اشغالگر» «کارهای بنیادی» تعیین می کند؛ مهم اینست که یک حزب «ضد اشغال» چگونه از «ترجمان دولت اشغالگر» می خواهد که با پول «بانک جهانی» (انحصار مالی امپریالیست ها و اشغالگران) و کمیسیون اروپا (اتحاد سیاسی امپریالیست های اروپائی) «کارهای بنیادی» انجام بدهد و مهم اینست که یک حزب «ضد اشغال» چرا تنها بر ارتباط «ترجمان دولت اشغالگر» با بنیادگرایان اعتراض دارد، آیا این اعتراض از این منظر صورت می گیرد، که ارتباط با حزب فراموش «ترجمان دولت اشغالگر» شده است؟

این حزب که دوستی خوب با «چپ» ها دارد، «چپ» هائی که با اصل اشغال کشور ما مخالفت ندارند، بلکه در شکلیات هیاهو می کنند، در صحبت هائی که با «حزب چپ سویدن» و «ترجمان دولت اشغالگر» داشته، حتماً مصرانه خواسته است که در ساختن راه آهن، کارخانه ها، مراکز صنعتی و تجاری «کارهای بنیادی» انجام بدهد، و اگر چنین نیست و حزب اعتراض دارد، پس خوب است خود حزب بگوید که هدفش از تعیین تکلیف برای «ترجمان دولت اشغالگر» در زمینه «کارهای بنیادی» چه بوده است.

«حزب همبستگی افغانستان» که گاه گاه در مطبوعات غربی بنام حزب دارای گرایش «چپ» تبلیغ می شود و پت و پنهان زیر سایه کارل مارکس سرخم راه می رود، در زندگی سیاسی خود حتماً گذری بر استالین داشته است: «امپریالیزم گستاخانه ترین استثمار و بی رحمانه ترین اسارت صدها میلیون مردم وسیع ترین مستعمره ها و کشورهای غیر مستقل می باشد. هدف این استثمار و سرکوب، عبارتست از تحصیل سود اضافی. ولی امپریالیزم، ضمن استثمار این کشورها، ناگزیر باید در آنجا راه های آهن، کارخانه ها و مراکز صنعتی و تجاری برپا سازد. استالین، سالها قبل، «کاربنیادی» امپریالیست ها را در کشورهای مستعمره به خوبی بیان کرده است، اگر منظور حزب از «کار بنیادی» اینها نیست، پس همان «حمایت از استقلال ملی» و «تقویت دموکراسی» است، درست؟

و راستی، این «حزب چپ سویدن» از لحاظ ماهوی در کدام صف قرار دارد. صف اشغال یا ضد اشغال؟ وقتی از رهبر این حزب، لارس اوهرلی می خوانیم که: «ما طرفدار تغییر ستراتیژی سویدن از بخش نظامی به ملکی هستیم، البته با افزایش کمک ها و تعیین تاریخ روشن برگشت نظامی ها از افغانستان» (۱۰)، در می یابیم که از لحاظ ماهوی این

حزب، در صف اشغال قرار دارد، همان استعمار نو یا اشغال نو: پایان دادن به سر نیزه اما تقویت دولت پوشالی از طریق کمک های پولی و توسعه ای و عدم تغییر ستراتیژی در کل.

اینجا یک غائله دیگر نیز درز می کند: «حزب چپ سویدن» از یک طرف می خواهد با افزایش کمک های ملکی، دولت پوشالی، دولت خادم اشغالگران امریکائی و سایر متحدان ناتوئی را حمایت کند و از طرف دیگر یک حزب «ضد اشغال» و «دولت پوشالی» را. رهبر حزب از یکسو می گوید که طرفدار افزایش کمک ملکی به افغانستان (دولت پوشالی) است و از سوی دیگر حزب همبستگی می گوید که رهبران «حزب چپ سویدن» «همکاری بی شایسته خود را با حزب همبستگی اعلان کردند و وعده دادند که در آینده در بخش های معین با حزب ما همکاری مادی و معنوی نمایند.» (۱۱)

این است غائله ای که از روز تأسیس «حزب همبستگی افغانستان» تا اکنون ادامه دارد، قضاوت به دست شماست!

(۱). «قانون اساسی کشور را با کمبودهای معین آن در شرایط کنونی گامی به جلو دانسته، فعالیت های خود را در

چهار چوب آن تنظیم نموده، خواهان تطبیق عادلانه آن می باشیم. برنامه حزب همبستگی افغانستان

(۲). به چند نمونه این «همبستگی های» زشت و دردناک اشاره می کنم:

- «سلطه اشغالگران روسی و عمال شان، جنگ های وحشیانه تنظیمی، تروریزم و جهالت طالبان طی دو نیم دهه اخیر کشور ما و هستی مادی و معنوی آن را در معرض نابودی تمام و کمال قرار داد، تا آن که فاجعه ۱۱ سپتمبر به وقوع پیوست و ائتلاف جهانی ضد تروریستی برای برداشتن زخم متعفن طالبان و القاعده از پیکر میهن ما به وجود آمد که در نتیجه مداخله آنان رژیم طالبان ساقط گردید. صرف نظر از نیرو گرفتن مجدد جنگسالاران و احراز پست های مهم دولتی توسط آنان، شرایطی به وجود آمد که از هر سو شعار های دموکراسی خواهی بلند گردیده نهاد های مدنی و دموکراتیک یکی پی دیگر یا به عرصه وجود گذاشتند.

و اینک باز هم فرصتی دست داده که مردم ما باید برای اولین بار در تاریخ خود جهت انتخاب فرد اول کشور شان به پای صندوق های رأی بروند و آرزو دارند با انتخاب رئیس جمهور و ایجاد دولتی مبتنی بر دموکراسی، ولو نیمبند و ناپیگیر، خود را از شر تفنگسالاران نجات دهند تا آن که فضای صلح آمیز و شرایط آرام زندگی برای شان میسر گردد. اما این پروسه از یکسو توسط تروریست های طالبی و گلبدینی تهدید می شود و از جانب دیگر جنگسالاران و تجزیه طلبان در کمین نشسته اند تا با نقاب فریبنده دموکراسی یک بار دیگر خود را بر مردم تحمیل نمایند.

حزب همبستگی افغانستان بعد از مطالعه همه جانبه شرایط مشخص تاریخی کشور برای قطع دست های شوم جنگسالاری و تروریزم؛ تأمین امنیت و ثبات سراسری در کشور؛ برای استفاده حداکثر از شرایط موجود جهت پا گرفتن نیروهای ملی و دموکرات؛ برای قطع مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور ما و برای کسب مجدد هویت بین المللی افغانستان در منطقه و جهان تصمیم گرفته است با تمام قوت در انتخابات ریاست جمهوری اشتراک ورزد. به همین منظور لست کاندیدان این پست را مورد بررسی و تدقیق همه جانبه قرار داده به این نتیجه رسید که:

ملت ما در موقعیت خاص انتخاب بین آقای کرزی از یکطرف و جنگسالاران از طرف دیگر قرار گرفته است. حزب همبستگی افغانستان حامدکرزی را با وصف عدم قاطعیتش مقابل جنگسالاران، عدم اتکایش بر مردم و سازش بانایاکترین چهره ها، کاندید مناسب برای احراز این پست ارزیابی نموده از تمام اعضاء و هواداران خود در سرتاسر کشور می خواهد که در زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری از آقای کرزی حمایت نمایند.» اعلامیه حزب همبستگی افغانستان، ۱۳۸۳/۶/۴

- «حادثه ۱۱ سپتمبر سبب شد که افغانستان دوباره در محراق سیاست جهانی قرار گیرد، تصمیم گرفته شد که این رژیم باید از بین برود همان بود که بعد از فرار طالبان نیروهای ائتلافی به افغانستان می آیند و راه برای دموکراسی نسبی هموار می گردد. سخنرانی رهبر حزب همبستگی افغانستان در جشنواره تأسیس، همبستگی غر، شماره اول، جوزای ۱۳۸۳».

۳. «جبهه ملی - دموکرات افغانستان که متشکل از ۱۴ حزب سیاسی می باشد به تاریخ ۳ قوس ۱۳۸۴ سیمیناری را جهت ارزیابی نتایج انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی در رستوران ستاره کابل دایر نمود. در این سیمینار یک روزه که حدود ۱۰۰ نفر از شخصیت های سیاسی، استادان پوهنتون، دیپلمات های خارجی، شخصیت های مطبوعاتی و اهل نظر شرکت ورزیده بودند، تمام جوانب انتخابات مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته بعد از جمع بندی همه جانبه نتایج کار خود را اعلام نمود. سیمینار با سخنرانی افتتاحیه میاگل وثیق سخنگوی جبهه ملی - دموکرات افغانستان آغاز و سپس داکتر آصف بکتاش رئیس حزب ترقی ملی افغانستان جمع بندی و کار تحقیقاتی و مقدماتی جبهه ملی - دموکرات را در زمینه انتخابات با ارائه آمار و ارقام دقیق به طور مفصل بیان نمود که در قسمتی از آن چنین آمده «متکی به حکم پاراگراف اول ماده هشتاد و سوم قانون اساسی و ماده دوم قانون انتخابات، عمومی بودن انتخابات به عنوان اصل عمده مشروعیت آن برجسته گردیده است.»، ارزیابی نتایج انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی، همبستگی غر، شماره ۱۷ قوس ۱۳۸۴».

۴. - «از زمان بر سر قدرت آمدن دولت های عبوری و انتقالی و مداخله کشورهای سهیم در ائتلاف ضد تروریسم، شرایطی به وجود آمد که نیروهای ملی و دموکرات توانستند سربلند کنند و دست به تشکیل سازمانها، مجامع و انجمن هایی بزنند، تا بتوانند شرایط موجود را تحلیل نموده با مغتنم شمردن آن راه نجات از حاکمیت تفنگ سالاری و رسیدن به رفاه و سعادت مردم را دریابند.» همسوئی نهادهای دموکراتیک، همبستگی غر، شماره دوم، اسد ۱۳۸۳».

- «حزب همبستگی که شما موجودیت آن را اعلام می کنید واقعاً يك قدم مثبت است. کلمه همبستگی در این وقت شایان تأکید بسیار زیاد است، برای این که هدف همه مشترک است، و همه خواهان زندگی کردن در جامعه دموکرات و بهرمند شدن از مزایای آن هستند. لازم است که يك همبستگی کلی بین تمام نهادهای اجتماعی خواهان دموکراسی به وجود بیاید تا بتوانیم قدمی در راه دموکراسی گذارده در فضای آن تنفس نمائیم.» حبیبه سرابی وزیر امور زنان رژیم پوشالی و والی کنونی ولایت بامیان - همبستگی غر، شماره اول، جوزای ۱۳۸۳.

- «این تعداد شرکت کننده و فیصدی اعلام شده به جای خود، ولی آنچه مهم است کنه نظر مردم و خواست آنان است. اگر دولت آقای کرزی به جای جنگسالار نوازی و مصلحت گرایی به سوی تجرید جنگسالاران و کنار گذاشتن مصلحت ها روی می آورد؛ اگر با ویرانگران شهر و قاتلان شهروندان کابل به جای نوازش و پرورش به محاسبه می پرداخت؛ اگر به جای طمع خام برای بارور شدن درخت نونهال بازار آزاد به احیای آنچه از اقتصاد ویران شده دولتی به میراث مانده است می پرداخت و اگر به جای آزاد گذاشتن چند دست چپاولگر در حیف و میل سیل پول های امدادی، به اعمار زیر بنای اقتصادی کشور می پرداخت مطمئناً تعداد قابل توجهی از مردم به صندوق های رأی می رفتند.

اگر دولت و در رأس آن آقای کرزی خواستار اعمار و شکوفائی کشور و بهروزی مردم آن باشند، لازم است «نه» گفتن مردم در استقبال از انتخابات پارلمانی را به غور مطالعه نموده و با اخذ درس های مطابق به واقعیت، روی سازشکاریها و مصلحت جوئی ها خط بطلان کشیده، راهی را که طی چند سال باقیمانده حکمرانی شان در پیش خواهند داشت با تکیه به میلیون ها انسان زجر دیده اما وطن دوست و با ایمان، به روشنی و سرخروئی ببیمایند.» آیا انتخابات پارلمانی یک موفقیت بود؟ همبستگی غر، شماره ۱۷، قوس ۱۳۸۴.

۵. «به تعقیب آن مسؤول تشکیلاتی به نمایندگی از حزب با انتقاد از کم کاری و تحت تأثیر اوضاع رفتن هیأت رهبری، ختم یک بارگی تمام نشرات حزب، نقش زنان و رسالت جوانان در آینده این حزب اشارات داشت و در ضمن حمایت حزب در انتخابات دور اول ریاست جمهوری را محکوم کرده و طرح وحدت با "جبهه ملی دموکرات" که مجموعه ای از بقایای رژیم های فرتوت گذشته بوده و به خاطر تملق و زراندوزی دروازه های جنایتگران را می کوبند را یک اشتباه فاحش دانسته و از دست آوردهای حزب در طول شش سال نیز ذکر به عمل آورده گفت: امیدواریم تا تحریم انتخابات ریاست جمهوری بار دوم بتواند تا حدی تلافی اشتباهات گذشته ما باشد، همچنان یاد آور شد که در جریان این انتخابات حزب همبستگی هفت کاندید را که از جمله جنایتکاران معلوم الحال وطنی بود طی اعلامیه مردود دانسته و رسماً خواهان محاکمه فوری و بی قید و شرط آنان شد که در حقیقت این حرکت ما با خواست مردم برابری داشت.» دومین کنگره حزب همبستگی افغانستان برگزار شد، وب سایت حزب.

۶. در باره اصول لنینیسم، استالین.

۷. «حزب همبستگی افغانستان» با آرزو و اراده ایجاد افغانستان نوین مبتنی بر رشد اقتصادی و اجتماعی پایدار، آزادی، دموکراسی، برابری و عدالت اجتماعی تشکیل شده است. ما که وظیفه اساسی خود را نه تفسیر و تشریح بی پایان تیره بختی ها، بلکه بسیج مردم برای امحای کامل آن ها و دستیابی به بهروزی دانسته به دشواری راه، کاملاً آگاه هستیم.» (نقل قول از کارل مارکس). برنامه حزب همبستگی افغانستان.

۸. «ائتلاف جهانی ضد تروریسم» که برای زدودن بقایای القاعده و طالبان به سرزمین ما یا گذاشته، جهت تأمین صلح و آرامش در کشور و برپائی نظام مردم سالار متأسفانه بر نیروهائی تکیه کرده است که تعدادی از آنان لکه های خون در آستین دارند و عامل برپادی وطن بوده اند. «اعلامیه حزب همبستگی افغانستان، ۲۸ حمل ۱۳۸۳. (این حزب از لحاظ فکری در خط ملالی جویا و بلقیس روشن قرار دارد، زیرا آنها هم به قوانین افغانستان احترام می گذارند و خواهان تطبیق عادلانه و یکسان آن هستند و از امپریالیست تنها به این خاطر شکوه و گله دارند که چرا به جای جهادی ها آنها را بر قدرت نصب نکرده اند، چیزی که این حزب نیز از آن می نالد).

۹. این شاه فردهای حزب را بخوانید و صادقانه بگوئید که این حزب با این چرند گوئی و شانه به شانه شدن، چگونه می تواند ضد اشغال باشد (وقتی که هیچ پروسه درونی مبارزاتی در این مورد موجود نبوده است). هیچ دیالکتیسی نمی تواند بپذیرد که این حزب، یکشنبه از آن پرتگاه مغالزه با اشغالگران به پله ضد اشغال صعود نموده باشد، وقتی که هیچ یادداشتی مبنی بر مبارزه دو خط در این حزب (صرفنظر از این که چپ های انقلابی با حزب علنی مخالف هستند) در نشرات آن انعکاس نیافته است. هنوز که هنوز است بر حزب همان خط حاکم است، چیزی که در درخواستش از «کمیتة سویدن» برای اجرای «کارهای بنیادی» و عدم موضع گیری علیه حبیب سرابی به حیث والی دولت دست نشانده نهفته است.

- «به تاریخ ۲ و ۱۳ سرطان جلسه ای به ابتکار "حزب نهضت همبستگی ملی افغانستان" جهت بحث {چه بحث

اساسی؟؟!!} روی مسأله به تعویق انداختن انتخابات، در مقر آن حزب واقع قلعه فتح الله خان دایر گردید.

در این جلسه که از حزب همبستگی افغانستان نیز دعوت به عمل آمده بود، اشخاص آتی شرکت نموده بودند:

سید اسحاق گیلانی از حزب نهضت همبستگی ملی افغانستان، آصف از حزب افغان ملت، کبیر رنجیر از حزب دموکرات افغانستان، حلیم از حزب کنگره ملی افغانستان {از لطیف پدram}، داکتر فاروق نجرابی از حزب استقلال افغانستان، وثیق از حزب رفاه افغانستان، مدرسی از حرکت اسلامی افغانستان {به احتمال قوی مربوط به شیخ آصف محسنی و انوری}، مرتضی از حزب نهضت همبستگی ملی جوانان افغانستان، امید از حزب کار و توسعه افغانستان، مصباح از حزب ملی افغانستان، بریالی نصرتی از حزب حفاظت از حقوق بشر و انکشاف افغانستان، رشید آربین از

حزب ملی افغانستان...، محمدحسن تیموری از شورای سعادت ملی افغانستان، اسماعیل قاسمیار، محمدحقوق، عبدالله عاطف، فضل کریم ایماق ویتمن.

مهمترین نکات مورد بحث در این جلسه را التوای انتخابات برای دو سال، تعیین کابینه متخصص و غیر وابسته به تنظیم ها، ریشه اختاپوتی نیروهای مسلح غیر مسؤول در ارگان های دولتی، ایجاد اردو و پولیس ملی، توزیع تذکره جدید طی یک سال و مشارکت ملی نیروهای طرفدار مردم سالاری، تشکیل می داد.

طی بحث روی نکات مطرح شده توافقی بین اشتراک کننده ها حاصل شد. متنی که برای تصویب آماده شده بود توسط اکثریت اعضای جلسه امضاء گردید، به استثنای نماینده حزب همبستگی افغانستان که طرفدار تعویق انتخابات پارلمانی تا زمان خلع سلاح جنگ سالاران و به اجراء گذاشتن انتخابات ریاست جمهوری در شرایط فعلی بود...» گزارشی از جلسه بحث روی تعویق انتخابات، همبستگی غر شماره دوم، اسد ۱۳۸۳. (متوجه هستید که حزب همبستگی افغانستان «ضد اشغال» با کی ها شانه به شانه بوده و چه بحث های مهمی را پیش می برده است!!!).

- «از زمان تجاوز روس بر کشور ما و به خصوص بعد از اخراج آنان و سقوط دولت دست نشانده اش جنگ های تنظیمی برای عصب قدرت، نه تنها بر دست آوردها و افتخارات جنگ آزادی خواهانه مردم ما خط بطلان کشید و افغان ها را در نظر جهانیان به صورت ملت بی فرهنگ و وحشی ترسیم نمود؛ زمینه لانه گزینی و رشد تروریسم را فراهم نمود؛ ۶۵۰۰ نفر از شهریان کابل را با راکت و اسلحه خودکار قطعه قطعه و در زیر آوار مدفون نمود؛ آثار باستانی و فرهنگی را که قرن ها از گزند وحشی ترین جهانسوزان و جنایتکاران درامان مانده بودند، یکسره نابود کرده و یا به تاراج بردند؛ و بالاخره آینده تمام کشور را در تاریکی عمیقی فرو برده که جز وابستگی به اجانب، هیچ دورنمایی برای آن به مشاهده نمی رسد. بناء عده ای از روشنفکرانی که همواره در پی گشایش راهی از این بن بست بودند، با استفاده از شرایط جدیدی که پشتیبانی جهانیان در برابر تروریسم و تفنگسالاری فراهم آورده است، دست به ایجاد تشکیلی دموکراتیک زدند، تا بتوانند افتخارات از دست رفته را احیا نموده، ویرانی ها را بازسازی و راه روشنی برای بهروزی، بهزیستی و شکوفائی کشور ترسیم نمایند.» نشر مجدد در وب سایت حزب همبستگی افغانستان، شنبه ۱۶ عقرب ۱۳۸۸. (نشر مجدد این چرندیات در سال ۱۳۸۸ به خوبی نشان می دهد که حزب هنوز از سواری بر قاطر «دموکراسی» خسته نشده است.)

Left Party drops out of Afghanistan talks - <http://www.thelocal.se/29940/20101101>. ۱۰

۱۱. «اعضای حزب باید در کنار اشتراک در کار های عملی، با پرداخت حق العضویت به صورت منظم، کمک و اعانه در حد توان بنیه حزب را از لحاظ مالی تقویت نمایند زیرا یکی از ویژگی های حزب همبستگی خلاف احزاب سرکاری و وابسته که سرحد شان به جاسوسی می رسد، همین اتکاء به اعضا و هوادارانش است و از هیچ منبع بیرونی کمکی دریافت نمی دارد.» سایت حزب همبستگی افغانستان.